

دکتر دیوید ترنر، انجیل یوحنا، جلسه ۹ یوحنا ۷

دیوید ترنر و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر دیوید ترنر در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا است. این جلسه ۹، دوران پرتنش در اورشلیم است، این مرد کیست؟ یوحنا ۷: ۱-۵۲.

سلام، من دیوید ترنر هستم. به سخنرانی ما در مورد فصل هفتم یوحنا خوش آمدید. ما عیسی را در یوحنا ششم در جلیل ترک کردیم و او با جمعیت و برخی از شاگردان خود که آموزه‌های او را نمی‌پذیرفتند، بحث می‌کرد و حتی دوازده نفر را صدا زد و از آنها پرسید که تعهدشان پس از غذا دادن به جمعیت چیست و وارد بحثی در مورد چگونگی حمایت خداوند از قوم خود، چه از طریق نان و چه از طریق کلام خدا، عیسی، شد.

و بنابراین، عیسی در آنجا قیاس بزرگی بین ایمان و خودش انجام می‌دهد و آن را به روشی بسیار مستقیم، به روشی واضح، با خوردن گوشت و نوشیدن خورش مقایسه می‌کند، که باعث می‌شود بسیاری از مردم از پیروی او دست بکشند. بنابراین، این فصل با نکته‌ای نسبتاً شوم به پایان می‌رسد که در آن پطرس تأیید می‌کند که او به همراه حواریون، با عیسی خواهند ماند زیرا او کلمات حیات را دارد. با این وجود، عیسی خاطرنشان می‌کند که یهودا، یکی از آن دوازده نفر، در واقع شیطانی در لباس مبدل است و بنابراین اوضاع در میان حواریون آنقدر که ما دوست داریم فکر کنیم، شاد نیست.

البته، این موضوع در فصل ۱۳ به اوج خود می‌رسد، جایی که یهودا برای خیانت به عیسی می‌رود و سرانجام در فصل ۱۸، زمانی که عیسی دستگیر می‌شود، بازمی‌گردد. بنابراین، همانطور که در فصل ۷ یوحنا شروع می‌کنیم، عیسی را هنوز در جلیل می‌بینیم. و در فصل ۷ یوحنا، عیسی با برادرانش صحبت می‌کند و آنها در مورد اینکه آیا او باید برای عید به اورشلیم برود یا نه، بحث می‌کنند. بنابراین، اول از همه، نکته‌ای در مورد ترتیب زمانی وقایع.

وقتی به یوحنا ۷ می‌رسیم، اگرچه هنوز نیمی از داستان انجیل را به طور کلی نخوانده‌ایم، فکر می‌کنم به پایان زندگی و رسالت عیسی، یعنی چند ماه آخر رسالت او، نزدیک شده‌ایم، زیرا این زمان عید خیمه‌ها، فصل ۷ آیه است که به عید خیمه‌ها یا به زبان عبری، سوکوت، که یک جشنواره پاییزی است نیز معروف است. ما، ۲، شاهد حضور عیسی در عید وقف یا حنوکا در یوحنا فصل ۱۰ خواهیم بود. سپس عید فصح در بهار، آخرین عید فصح ذکر شده در انجیل یوحنا خواهد بود.

بنابراین، واضح است که یوحنا در مورد ترتیب زمانی وقایع صحبت نمی‌کند. یوحنا چیزهای دیگری را در ذهن دارد تا در مورد عیسی و زمان دقیق و توالی نسبی وقایع در زندگی او به ما بیاموزد. اما تا جایی که در کتاب به ترتیب زمانی اشاره شده است، این امر ما را در پاییزی قرار می‌دهد که به بهاری منتهی می‌شود که عیسی در اورشلیم مصلوب شد.

بنابراین، ما سه عید مختلف ذکر شده در اینجا را داریم که در کتاب آمده‌اند و ما را به عنوان بخشی از چرخه ضیافت در یوحنا از فصل‌های ۵ تا ۱۰ نگه می‌دارند. بنابراین، هر بار که فصل جدیدی را شروع می‌کنیم، جریان روایت را در نظر داریم. بنابراین فقط به سرعت مرور می‌کنیم تا ببینیم در این فصل چه اتفاقی می‌افتد.

این فصل بسیار نگران‌کننده‌ای است، فصلی که در آن کاملاً مشخص است که اختلاف نظر زیادی در مورد عیسی وجود دارد و اتفاقات زیادی در جریان است که نشان می‌دهد مردم در مورد او بحث می‌کنند و به او

ایمان نمی‌آورند. حتی برادران خودش هم در ابتدای فصل افرادی نشان داده می‌شوند که به او ایمان ندارند، زیرا در ابتدای فصل به او می‌گویند که عید نزدیک است و به او می‌گویند که باید به آنجا برود و در عید، خیمه‌ها شرکت کند و کار خودش را انجام دهد و مردم را به ایمان آوردن به خود ترغیب کند. البته، یوحنا، ویراستار، در آیه ۵ اظهار نظر می‌کند که حتی برادران خودش هم به او ایمان نیاوردند.

بنابراین، آنها به او نمی‌گفتند که برای تقویت ایمان خود و ایمانش به اورشلیم برود. آنها اساساً فقط می‌گفتند که این شغل توست، این کار توست، پس چرا به آنجا نمی‌روی و این کار را نمی‌کنی، که البته ظاهراً با تمسخر بود. البته، در دو آیه اول انجیل یوحنا، باب ۷، به ما گفته شده است که عیسی واقعاً به دنبال این نبود که در یهودیه و اورشلیم پیدا شود، زیرا رهبران یهودی آنجا از قبل به دنبال راهی برای دستگیری و اعدام او بودند.

بنابراین، همانطور که معلوم شد، عیسی یکی از این جملات نسبتاً مرموز را در آیه ۶ بیان می‌کند: «وقت من هنوز نرسیده است. تو می‌توانی هر زمان که وقتت رسید بروی. دنیا نمی‌تواند از تو متنفر باشد، اما از من متنفر است زیرا من شهادت می‌دهم که کارهایش بد است.» شما به عید بروید. من به این عید نمی‌روم زیرا هنوز وقت من کاملاً نرسیده است. پس از گفتن این جمله، او در جلیل ماند.

با این حال، همانطور که چند روز بعد با پیشروی روایت مشخص می‌شود، او واقعاً به جشنواره در اورشلیم رفته است. بنابراین، ما کمی توجه داریم که بفهمیم چگونه او به آنها گفته بود که نمی‌رود اما بعداً تصمیم به رفتن گرفته است. بنابراین، می‌توانیم راه‌هایی برای توضیح پیدا کنیم که احتمالاً در اینجا زیاد به آن نمی‌پردازیم زیرا چیزهای مهم‌تر دیگری وقت ما را اشغال می‌کنند.

بنابراین، آیه ۱۰ به ما می‌گوید که پس از اینکه برادرانش برای عید رفتند، عیسی در واقع به اورشلیم رفت و سرانجام به تعلیم پرداخت. ما متوجه می‌شویم که در نیمه راه عید در آیه ۱۴، او شروع به تعلیم در معبد کرد. بنابراین، او سرانجام به معبد می‌رود، اما مخفیانه می‌رود تا مردم نتوانند ببینند او چه می‌کند تا جمعیت را تحریک نکنند، زیرا ظاهراً بر اساس آیه ۱۰، رهبران یهودی مراقب او بودند تا سعی نکنند او را دستگیر کنند و حتی جمعیت هم کنج‌گو بودند که او فکر می‌کند آنجا خواهد بود و در آیات ۱۲ و ۱۳ می‌بینید که در ادامه فصل چه اتفاقی خواهد افتاد.

در میان جمعیت زمزمه‌های گسترده‌ای در مورد او وجود داشت، برخی می‌گفتند که او مرد خوبی است، برخی دیگر پاسخ می‌دادند نه، او مردم را فریب می‌دهد. بنابراین، مردمی که می‌گفتند او مرد خوبی است، ماهیت دیدگاهشان نسبت به عیسی چه خواهد بود؟ شاید اینها همان افرادی باشند که در فصل ۲ به آنها اشاره شده است، کسانی که تا حدودی عیسی را می‌شناختند و کارهای شگفت‌انگیز او را می‌دیدند و به این معنا به او ایمان داشتند. به او به عنوان شخصی که خدا او را به خاطر شایستگی و ارزشی که برای خدا و پادشاهی او فرستاده بود، ایمان داشتند.

اینکه آیا این به یک باور نجات‌بخش واقعی به عیسی تبدیل می‌شود، همانطور که واقعاً وجود داشته، فکر می‌کنم سوال دیگری است. بنابراین، این انحراف، این تفرقه در میان جمعیت در اینجا در آیات ۱۲ و ۱۳ توسط رهبرانی که به دنبال گرفتن عیسی هستند و قصد دارند افرادی را برای دستگیری او بفرستند تا بتوانند او را از بین ببرند، تشدید می‌شود. بنابراین، بدیهی است که بخش اول عید، عیسی در اورشلیم است اما هنوز در ملاء عام دیده نمی‌شود. در اواسط عید، آیه ۱۴ می‌گوید که او در آنجا شروع به تدریس کرد و اوضاع به گونه‌ای پیش می‌رود که اصطلاحات محاوره‌ای به اوج خود می‌رسند.

بنابراین، برخی از یهودیان شگفت‌زده می‌شوند و می‌پرسند که این مرد بدون اینکه تعلیمی دیده باشد، این دانش را از کجا آورده است. عیسی آنطور که اکنون می‌توانیم بگوییم فارغ‌التحصیل حوزه علمیه نبود. او با

هیچ یک از خاخام‌ها در ارتباط نبود، بنابراین مردم تعجب می‌کردند که چگونه او دانشی را که داشت دریافت کرده است. بنابراین، او در آیات ۱۶ تا ۱۹ توضیح می‌دهد که آموزه‌های او از پدر است، همانطور که در فصل ۵ به عنوان نماینده پدر تعلیم داده است، هر آنچه می‌گوید و هر کاری که انجام می‌دهد، از جانب خدای پدر است که او را پدر خود توصیف می‌کند.

بنابراین، او حتی در آیه ۱۹، مردم آنجا را به عدم رعایت شریعت متهم می‌کند. آیا موسی شریعت را به شما نداده است، اما هیچ‌کدام از شما شریعت را رعایت نمی‌کنید، چرا می‌خواهید مرا بکشید؟ بنابراین جمعیت می‌گویند شما در مورد چه چیزی صحبت می‌کنید، ما که نمی‌خواهیم شما را بکشیم و می‌گویند شما حتماً دیورده هستید، چرا چنین دیدگاهی دارید؟ چه این افراد این را می‌گفتند و کاملاً می‌دانستند که مقامات به دنبال عیسی هستند و فقط طفره می‌رفتند، یا اینکه واقعاً از توطئه علیه عیسی پی‌گناه بودند یا نه، شما می‌توانید در مورد آن قضاوت کنید. بنابراین، عیسی ادامه می‌دهد، بنابراین ما یک بخش بزرگ دیگر با حروف قرمز از آیات ۲۱ تا ۲۴ داریم. بخش دیگری از تعلیمات عیسی می‌گوید من یک معجزه انجام دادم و همه شما متعجب هستید که این چه معجزه‌ای است؟ به احتمال زیاد به فصل ۵ برمی‌گردیم، مردی که او در استخر بتسدا، مرد فلج را شفا داد و البته این آغاز درگیری و آغاز بحث بین عیسی و رهبران مذهبی در اورشلیم بود.

من یک معجزه انجام دادم و شما هنوز همه شگفت‌زده‌اید، چون موسی به شما ختنه را داد، هرچند در واقع این از موسی نیامده، بلکه از نکته جالب پدران مقدس آمده است. عیسی با بیان اینکه ختنه در کتاب پیدایش آغاز شده است، نه در کتاب خروج. شما یک پسر را در روز سبت ختنه می‌کنید، بنابراین او به آنها می‌گوید که به نوعی باید سبت را بشکنید تا قانون ختنه در روز هشتم رعایت شود. بنابراین، آیه ۲۳ می‌گوید اگر یک پسر می‌تواند در روز سبت ختنه شود تا قانون موسی شکسته نشود، چرا از من به خاطر مراقبت از این مرد فلج در روز سبت عصبانی هستید؟ من از تمام بدن او مراقبت کردم. شما با ختنه مشکلی ندارید، اما با این نه.

بنابراین، او می‌گوید که این قضاوت سطحی را متوقف کنید، آیه ۲۴، قضاوت بر اساس ظاهر را متوقف کنید و به جای آن به درستی قضاوت کنید. بنابراین، روش درک عیسی از قانون سبت در اینجا توضیح داده شده است و با سنت فریسیان کاملاً متفاوت است. بنابراین، در آیه ۲۵، اختلاف نظر مداوم در مورد عیسی کاملاً واضح است و این ما را به صحبت‌های مقامات در مورد او می‌رساند.

بنابراین در میان هیاهو و در میان تمام هرج و مرجی که در جریان بود، همه مردم برای جشن خیمه‌ها آنجا بودند، اورشلیم مملو از جمعیت بود، عیسی در میان جمعیت رفت و آمد می‌کرد، برخی او را دوست داشتند واقعاً او را نمی‌فهمیدند، برخی شاید به او ایمان واقعی داشتند، برخی دیگر به او مشکوک بودند و برخی دیگر سعی در کشتن او داشتند. همه این واکنش‌های مثبت و منفی مختلف به او، برخی از مردم اورشلیم آیه ۲۵ شروع به پرسیدن کردند که آیا این همان مردی نیست که می‌خواهند اینجا بکشند؟ او علناً صحبت می‌کند و آنها هیچ کاری در مورد آن انجام نمی‌دهند. آیا مقامات واقعاً به این نتیجه نرسیده‌اند که او مسیح است، اما ما می‌دانیم که وقتی مسیح بیاید، هیچ کس نخواهد دانست که او اهل کجاست. بنابراین گروهی از مردم بودند که فکر می‌کردند ریشه مسیح بسیار مرموز خواهد بود، زیرا آنها می‌دانستند که ریشه عیسی از جلیل و از ناصره است، آنها فکر می‌کردند که او نمی‌تواند مسیح باشد. بنابراین در بحبوحه تمام هرج و مرج مداوم عیسی دوباره در آیه ۲۸ به تصویر کشیده می‌شود، در حالی که فریاد می‌زند: شما می‌دانید من کیستم و می‌دانید اهل کجا هستم. من با اختیار خودم اینجا نیستم. کسی که مرا فرستاده درست می‌گوید. شما او را نمی‌شناسید، اما من او را می‌شناسم زیرا من از او هستم و او مرا فرستاده است.

این اساساً اصل مطلبی را که عیسی در اوایل فصل ۵ پس از شفای فلج به آنها گفته بود، تکرار می‌کند. بنابراین آنچه عیسی در اینجا در فصل ۷ می‌گوید، اساساً تکرار تمام چیزهایی است که او قبلاً در فصل ۵ در

مورد هویت خود، کار او در روز سبت، اینکه او نماینده پدر است و اینکه اگر مرا رد کنید، کسی را که مرا فرستاده است رد کرده‌اید. سپس آیه ۳۰ در مورد واکنش به این موضوع صحبت می‌کند. آنها سعی کردند او را دستگیر کنند، اما هیچ کس به او دست نزد زیرا ساعت او هنوز فرا نرسیده بود، که کمی مرموز است. برخی فکر می‌کنند که عیسی برای جلوگیری از دستگیری در اینجا کاری ماوراء طبیعی انجام داد. نمی‌دانم که آیا باید این را نتیجه بگیریم یا نه، اما فکر می‌کنم مطمئناً خدا با مشیت الهی شرایط را طوری تنظیم می‌کرد که عیسی در این مرحله دستگیر نشود زیرا هنوز زمان آن نرسیده بود.

بنابراین برخی سعی داشتند او را دستگیر کنند، برخی شک داشتند که او همان کسی باشد که می‌گوید، اما به آیه ۳۱ توجه کنید. بسیاری از جمعیت به او ایمان آوردند. آنها گفتند وقتی مسیح بیاید، آیا او نشانه‌های بیشتری از این مرد نشان خواهد داد؟ به عبارت دیگر، آنها می‌گفتند عیسی چه کاری باید انجام دهد تا آنها را، متقاعد کند؟ اگر قرار نیست به او ایمان بیاورند، چه کار بیشتری می‌تواند انجام دهد؟ بگذارید او را رد کنند زیرا او مطمئناً شواهد کافی به آنها داده است که می‌تواند خود را مسیح نشان دهد. این متن در آیه ۷۳۱ بسیار شبیه به چیزی است که نابینایان دوست دارند. مرد نابینا در فصل ۹ گفت، زمانی که با فریسیان در مورد هویت عیسی اختلاف داشت. آنها گفتند که او نمی‌تواند از جانب خدا باشد. او در روز سبت کار می‌کرد و مرد نابینا گفت: خب، شاید حق با تو باشد، اما می‌دانم که من زمانی نابینا بودم، حالا می‌توانم ببینم که نمی‌توانی این را انکار کنی. بنابراین این یک بحث نسبتاً عملگرایانه در مورد هویت عیسی در میان جمعیت است، اما بحثی است که فکر می‌کنم بسیاری از مردم به آن اعتقاد داشتند.

بنابراین یک بار دیگر از خود می‌پرسیم وقتی می‌بینیم بسیاری از جمعیت به او ایمان آوردند، آیا این تأیید می‌کند که این افراد شاگردان واقعی بودند که ایمانی داشتند که در عیسی پایدار می‌ماند و می‌ماند یا این افرادی بودند که فقط تحت تأثیر معجزاتی که او انجام داد قرار گرفتند، همانطور که مردم در پایان فصل ۲ به آن بازگشتند. بنابراین، موضوع نشانه‌ها و ایمان بار دیگر به موضوع تفسیر در انجیل یوحنا تبدیل می‌شود. بنابراین، از سال ۷۳۲، عیسی به اندازه سفر کردن و صحبت کردن با جمعیت به تصویر کشیده نمی‌شود اکنون تمرکز بر رهبران اورشلیم و تلاش آنها برای دستگیری او است. بنابراین، آنها در این امر موفق نمی‌شوند. و بنابراین ما این بحث کوچک را در مورد هویت او با آنها داریم.

بنابراین، با آیه ۳۲، تمرکز در ادامه فصل بر رهبران مذهبی است. رهبران به دنبال دستگیری عیسی هستند، بنابراین زمره‌های جمعیت در مورد او را می‌شنوند، کاهنان اعظم و فریسیان نگهبانانی را برای دستگیری او می‌فرستند و بدیهی است که وقتی نگهبانانی که برای دستگیری او فرستاده شده بودند با او روبرو می‌شوند، تا حدودی مسحور می‌شوند که حدس می‌زنم احتمالاً کلمه‌ای بیش از حد قوی است، آنها آنقدر در تمام تعالیم او غرق هستند که قادر به انجام مأموریت خود نیستند. بنابراین، ما در اینجا در آیات ۳۳-۳۴ آموزه دیگری از عیسی داریم.

من فقط مدت کوتاهی با شما هستم، سپس نزد کسی که مرا فرستاده می‌روم، شما مرا خواهید یافت، اما جایی که من هستم، مرا نخواهید یافت، شما نمی‌توانید بیایید. این متن در آیات ۳۳ و ۳۴ در فصل ۱۳ زمانی که عیسی پس از رفتن یهودا در شرف دادن فرمان جدید است، تکرار می‌شود. او می‌گوید به یاد دارید که چگونه به یهودیان گفتم که به کجا می‌روم، شما نمی‌توانید بیایید، اکنون این را برای شما تکرار می‌کنم. بنابراین این گفته را دوباره در فصل ۱۳ خواهیم دید.

بنابراین، ظاهراً جمعیت یهودیان وقتی این را شنیدند، به یکدیگر می‌گفتند که او درباره چه چیزی صحبت می‌کند، قصد دارد به کجا برود که ما نمی‌توانیم او را پیدا کنیم، بنابراین فکر می‌کنند که او قصد دارد به میان یهودیان پراکنده در یونان سفری دوره‌گرد انجام دهد و یونانیان را احتمالاً از طریق یونانیان آنجا آموزش دهد. لزوماً منظور افرادی که از نظر قومی یونانی هستند، نیست، بلکه به احتمال زیاد منظور یهودیانی هستند که بخشی از پراکندگی یهودیان هستند و در مناطق یونانی‌شده یا هلنی‌شده‌تر یهودیت زندگی می‌کنند.

بنابراین، آنها از این عبارت گیج شده‌اند. بنابراین در آیه ۳۷ به جایی می‌رسیم که از بسیاری جهات مهم‌ترین بخش الهیاتی این فصل است، زیرا این یکی دیگر از این عبارات است که در آن از عیسی و روح القدس با هم نام برده شده است. بنابراین، در آخرین روز عید، به یاد دارید که عیسی در اواسط عید در آیه ۱۴ شروع به تعلیم کرد، بنابراین در آخرین روز عید، در آیه ۳۷، بزرگترین روز عید، عیسی ایستاد و با صدای بلند گفت: هر که تشنه است، نزد من بیاید و هر که به من ایمان آورد، بنوشد، زیرا کتاب مقدس گفته است که از درون آنها نهرهای آب زنده جاری خواهد شد.

ترجمه دیگری از این عبارت به این صورت خواهد بود و ما بعداً توضیح خواهیم داد که چرا هر که تشنه است، نزد من آید و بنوشد، اما هر که به من ایمان دارد، بگذار بنوشد. متاسفم، بگذار هر که ایمان دارد، هر که تشنه است، نزد من آید و هر که به من ایمان دارد، بنوشد، همانطور که کتاب مقدس می‌گوید نهرهای آب زنده از درون آنها جاری خواهد شد. بنابراین، سؤالی که در این آیه وجود دارد، همانطور که بعداً خواهیم دید، این است که آیا عیسی از خود به عنوان منبع روح برای مؤمنان صحبت می‌کند یا مؤمنان را به عنوان منبع روح برای افراد دیگر. در هر صورت، منظور او از آیه ۳۹ این بود که روح برای کسانی که به او ایمان آوردند، قرار بود بعداً آن را دریافت کنند. تا آن زمان، روح داده نشده بود، زیرا عیسی هنوز جلال نیافته بود. عبارت دیگری که بسیار شبیه به تعلیم بالاخانه در سخنرانی وداع در فصل‌های ۱۴ تا ۱۶ است که بعداً در مورد آن بیشتر صحبت خواهیم کرد.

بنابراین، وقتی عیسی این چیزها را در مورد خودش در آیات ۳۷ تا ۳۹ شنید، برخی از مردم گفتند که مطمئناً این مرد پیامبر است، بنابراین ما به توهم تثنیه ۱۸ برمی‌گردیم که در فصل قبلی در فصل ۶ دیده بودیم. برخی دیگر گفتند که او مسیح است، شاید پیامبر بودن مسیح بودن، در تفکر آنها یکسان بود یا شاید در ذهن خود بین پیامبری که شاید یک رهبر نظامی یا مدنی بود و مسیح بودن یک رهبر معنوی تمایز قائل بودند. در هر صورت، نوع درک از مسیح در بین این جمعیت کاملاً متفاوت بود. برخی دیگر در آیه ۴۱ نظر سومی را پرسیدند که چگونه مسیح می‌تواند از جلیل بیاید؟ بنابراین آنها می‌دانستند که عیسی جلیلی است، آنها در مورد میکاه فصل ۵ آیه ۲ فکر می‌کردند و می‌گفتند: آیا کتاب مقدس نمی‌گوید که مسیح از نسل داوود و از بیت‌لحم، شهری که داوود در آن زندگی می‌کرد، خواهد آمد؟

بنابراین، مردم به خاطر آیه ۴۳ از عیسی دچار اختلاف شدند. بنابراین، اگر این فصل را خوانده باشیم، شوخی نمی‌کنیم، بالاخره موضوع را فهمیدیم. مردم مطمئناً دچار اختلاف شده بودند. بنابراین، برخی می‌خواستند او را بگیرند، اما هیچ‌کس به او دست دراز نکرد.

خیابان‌ها در جریان است، در مقر رهبران مذهبی، کاهنان اعظم و فریسیان را داریم که از افرادی که برای دستگیری عیسی فرستاده بودند، پرسیدند که چرا او را نیاوردید؟ پاسخ آنها بسیار جالب و تا حدودی گیج‌کننده است. آنها می‌گویند هیچ‌کس تا به حال مانند این مرد صحبت نکرده است. بنابراین، ما این فرصت را داریم که این تصور را داشته باشیم که آنها در آنجا با عیسی بودند، شاید فرصت دستگیری او را داشتند، اما آنقدر تحت تأثیر نحوه صحبت کردن و آنچه او می‌گفت قرار گرفتند که هر کلمه‌ای را که بخواهید بگویید، گیج و مسحور شدند که برای فهمیدن اینکه آیا باید او را دستگیر کنند یا نه، مشکل داشتند. احتمال دیگر این است که آنها می‌ترسیدند اگر سعی کنند او را دستگیر کنند، افراد زیادی در آنجا بودند که از عیسی حمایت می‌کردند، شورش راه می‌انداختند و توسط جمعیتی که می‌دانستند هیچ‌کس تا به حال مانند این مرد صحبت نکرده است، مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتند.

بنابراین، بخش بعدی فصل بسیار جالب است، جایی که ما بحثی در مورد هویت عیسی داریم، نه چندان در میان جمعیت، بلکه با خود رهبران مذهبی. آنها به افرادی که برای دستگیری عیسی فرستاده بودند می‌گویند: منظورتان این است که او شما را نیز فریب داده است؟ آیا هیچ‌یک از حاکمان فریسی به او ایمان آورده‌اند؟ نه، اما این جمعیت که چیزی از شریعت نمی‌دانند، نفرین شده‌اند. بنابراین، در یهودیت خاخی در می‌شنا و

سایر منابع خاخی، عبارتی در مورد مردم سرزمینی وجود دارد که شریعت را نمی‌دانستند و آنها را قوم عمار (Am - Haretz) می‌نامند.

قوم آمخارتس، مردم این سرزمین، با تلمودی‌ها که شاگردان تورات هستند، متفاوتند و بنابراین گاهی اوقات، به آنها به دیده تحقیر نگاه می‌شود، زیرا آنها عضو خاباریم‌ها، همکاری‌ها که در مطالعه تورات مشارکت دارند نیستند. بنابراین شاید این چیزی باشد که ما اینجا می‌بینیم، نگاهی به افراد فریسی و کاهن که نماینده قشر بالای آموزشی جامعه و همچنین نهاد معبد هستند و به مردم عادی به دیده تحقیر نگاه می‌کنند و می‌گویند که آنها اساساً یک توده مردم هستند، چه می‌دانند که نفرینی بر آنها نازل شده است. با این حال، گزارش اقلیتی در مورد شورای سنهدرین در میان کاهنان ارشد و فریسیان وجود دارد.

بنابراین، دوست ما نیکودیموس از فصل سوم دوباره به صحنه می‌آید، و در آیه ۵۰ از نیکودیموس که قبلاً نزد عیسی رفته بود و یکی از خودشان بود، پرسیده می‌شود که آیا قانون ما شخصی را بدون اینکه ابتدا او را بشنود تا بفهمد چه کاری انجام می‌دهد، محکوم می‌کند؟ نیکودیموس سپس از آنها می‌خواهد که لحظه‌ای، انصاف داشته باشند و ضمناً، اگر به میشنا و رساله‌ای که در مورد سنهدرین صحبت می‌کند نگاه کنید، میشنا قوانین بسیار دقیقی در مورد نحوه عملکرد سنهدرین، به ویژه در مورد جرایم سنگین، دارد تا هرگز، خطای عدالت رخ ندهد. و بنابراین، وقتی در انجیل‌ها نحوه برخورد ناعادلانه سنهدرین با عیسی را می‌خوانیم، از خواندن میشنا کاملاً مشخص است که آنها نه تنها از دیدگاه هم‌نویان این کار را ناعادلانه انجام می‌دادند، بلکه از دیدگاه دستورالعمل‌های خودشان نیز این کار را ناعادلانه انجام می‌دادند.

بنابراین، نیکودیموس سوالی پرسید که به نظر می‌رسد نسبتاً مهم باشد، سوالی که فقط کمی انصاف اساسی در مورد عیسی می‌خواهد و بنابراین پاسخ به او این است که به آنها توهین کنید، به نیکودیموس توهین کنید، همانطور که آنها به افرادی که برای دستگیری عیسی در آیه ۴۷ فرستاده بودند توهین کردند. ۴۷ آنها به گروه دستگیری گفتند، منظور این است که او تو را هم فریب داده است؟ ۵۲ آنها به نیکودیموس می‌گویند، تو هم اهل جلیل هستی؟ این اساساً تهمتی علیه جلیلی‌ها است که آنها را روستایی، مردمی نادان و شاید در رعایت تورات به اندازه آنها دقیق نیستند. فقط به هرگونه تهمت قومی یا اجتماعی که با آن آشنا هستید فکر کنید، و اساساً منظور آنها همین بوده است.

بنابراین، آنها واقعاً چیزی برای گفتن به نیکودیموس نداشتند، بنابراین به یک لقب تکیه کردند. آنها او را با یک اسم صدا می‌زدند و این روش آنها برای ورود به این بحث بود. با این حال، آنها نکته اصلی را مطرح کردند. اگر خوب دقت کنید، متوجه می‌شوید که یک پیامبر از جلیل ظهور نمی‌کند.

فکر می‌کنم اگر در این مورد مطالعه کنید، متوجه خواهید شد که این گفته کاملاً درست نیست، اما به اندازه سایر موارد این فصل برای ما مهم نیست، بنابراین آن را به همین صورت باقی می‌گذاریم. بنابراین، وقتی دوباره عیسی را اینجا در اورشلیم پیدا می‌کنیم، لحظه‌ای را به مکانی اختصاص می‌دهیم که ظاهراً جایی در داخل و اطراف کوه معبد بوده است. زائران به سمت شهر سرازیر می‌شدند.

معلوم می‌شود که در زمان جشن سوکوت، طبق میشنا، تأکید بر این بود که کاهن از حوض سیلوم آب بکشد. حوض سیلوم به طور خاص در فصل ۹ یوحنا مطرح می‌شود، جایی که عیسی به مرد نابینا گفت که او را شفا داده تا در حوض سیلوم شستشو کند. بنابراین، در فصل ۹ به این موضوع باز خواهیم گشت و بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

در هر صورت، در اطراف معبدی که عیسی می‌رفت، ما فقط به این تصاویر نگاه می‌کنیم و سعی می‌کنیم این واقعیت را به خودمان یادآوری کنیم که در جایی که قبه الصخره اکنون در مسجد الاقصی قرار دارد، در روزگار معبد، این پله‌ها همین جا پله‌هایی بودند که وارد معبد می‌شدند. دروازه‌های دوتایی و یک دروازه

سه تایی پله‌های زیرزمینی به منطقه‌ای در اینجا بالا می‌روند که حیاط غیریهودیان است که شما را از اطراف به حیاط اسرائیل و در نهایت به جایی در این منطقه می‌رساند، جایی که مسجد اکنون در اینجا قرار دارد، جایی که قدس‌الاقداص در نزدیکی اینجا بوده است. اگر می‌خواهید بدانید که دیوار ندبه کجاست و همه اینها در این تصویر، این میدان بزرگ درست در اینجا، میدانی است که به آن منتهی می‌شود و دیوار ندبه، دیوار حائل، دیوار غربی، که فکر می‌کنم به زبان عبری به آن کوتل می‌گویند، جایی در این زاویه دید بد است، واقعاً نمی‌توانم آن را ببینم، اما این منطقه درست در اینجا کمک می‌کند.

بنابراین، در اینجا نمایی از جنوب از مدل اورشلیم در نزدیکی موزه اسرائیل وجود دارد که دروازه‌هایی را که می‌توانستند شما را از جنوب به محوطه معبد وارد کنند، به شما نشان می‌دهد و در اینجا در قسمت پایین جایی است که احتمالاً حوض سیلوم قرار داشته است. بنابراین، در رابطه با جشن سوکوت، کاهنان به اینجا می‌آمدند و آب را به عنوان بخشی از آیین نوشیدن شراب به معبد می‌بردند و دوباره در فصل ۹ بیشتر در مورد حوض سیلوم خواهیم دید. اعتقاد بر این است که تصویر عیسی در فصل ۷ یوحنا، زمانی که از رودخانه‌های آب زنده صحبت می‌کند، از نظر من او به مؤمنان می‌گوید که او احتمالاً در مورد این آیین جشن سوکوت صحبت می‌کرده است که شامل برداشتن آب از حوض سیلوم می‌شود. بنابراین، در اواسط فصل، ما سعی می‌کنیم در میان همه این هیاهو، درک کنیم که در آنجا چه می‌گذرد.

عیسی از اواسط هفته به طور علنی تعلیم می‌دهد و حتی قبل از شروع تعلیم و همزمان با تعلیم، این همه گمانه‌زنی در مورد او وجود دارد و واکنش‌های مختلفی نسبت به او نشان داده می‌شود. پس این فصل چگونه به عنوان یک اثر ادبی عمل می‌کند؟ چگونه باید آن را دریافت کنیم؟ به نظر من آنچه در اینجا داریم متنی است که به تعلیم عیسی در سال‌های ۷۳۷ تا ۷۳۹ منتهی می‌شود و سپس متنی که از آن فاصله می‌گیرد. بنابراین، از بخش‌هایی که اساساً به نقشه رهبران برای دستگیری عیسی ختم می‌شود.

بنابراین، از فصل ۷ تا ۳۲ و ۳۶، با تمام دیدگاه‌های مختلف و نقشه رهبران برای دستگیری او آشنا می‌شوید. سپس فصل ۳۷، آیات ۳۷ تا ۳۹ را دارید که آموزه اصلی عیسی در این فصل است. آموزه جدید آنچه را که او قبلاً در فصل ۵ گفته بود، تکرار نمی‌کند. سپس بحث جلسه شورای داخلی را در آیات ۴۰ تا ۵۲ خواهید داشت.

بنابراین، رهبران مأموران خود را برای دستگیری عیسی می‌فرستند (آیات ۷:۳۲ تا ۳۶). (عیسی در مورد روح تعلیم می‌دهد و تعلیمات او چنان چشمگیر یا مسحورکننده است که مأموران بدون دستگیری عیسی برمی‌گردند و بنابراین ما این نزاع را در میان خود در شورا داریم. جای تعجب است که آیا شخص دیگری در شورا به نیکودیموس پیوسته بود یا خیر.

در فصل ۱۹، یوسف اهل رامه، که در دفن جسد عیسی همراه او بود، نیز به عنوان عضوی از شورای یهود توصیف شده است. بنابراین، ما تعجب می‌کنیم که آیا نیکودیموس حداقل در این زمان توسط یوسف اهل رامه به طور خصوصی مورد حمایت قرار گرفته است یا حتی ممکن است افراد دیگری نیز به عیسی ایمان آورده باشند. اگر فکر کنیم که همه رهبران یهودی دشمن عیسی هستند، اشتباه می‌کنیم.

همه آنها اینطور نبودند. بدیهی است که اکثر آنها اینطور بودند، اما در اوایل کتاب اعمال رسولان می‌بینیم که انجیل در اورشلیم در حال انجام است و در آنجا به ما گفته شده است که بسیاری از کاهنان، بسیاری از رهبران اسرائیل در این ایام به عیسی ایمان آوردند. در مقام مقایسه، بدیهی است که تعداد کمی از آنها ایمان آوردند، اما اینطور نیست که هیچ یک از یهودیان عیسی را رد نکرده باشند.

ما باید هنگام مطالعه انجیل یوحنا مراقب باشیم که به نوعی یهودستیزی ضمنی دچار نشویم. به عنوان مثال، در یوحنا ۱ متونی وجود دارد که می‌گوید او به میان قوم خود آمد، اما قوم خودش او را نپذیرفتند. این یک

جمله کلی است، اما بدیهی است که بسیاری از قوم او را پذیرفتند، همانطور که در متن آمده است، به هر کسی که او را پذیرفت، اجازه داد تا فرزندان خدا شوند.

بنابراین، ما در اینجا در یوحنا ۷ در انتهای این فصل، از جای خود بلند می‌شویم و برای نیکودیموس هورا می‌کشیم، زیرا حداقل یک کلمه از عقل سلیم، یک کلمه از احتیاط، یک کلمه از عدالت را در مورد ذهنیت لینگ که در حال حاضر با عیسی روبرو است، بیان می‌کند. بنابراین، همانطور که به آنچه از این زمان به بعد در این بخش از مطالب در یوحنا فصل ۷ و پس از آن اتفاق می‌افتد فکر می‌کنیم، به این واقعیت یادآوری می‌شود که اختلافات، استدلال‌ها، درگیری‌ها در میان جمعیت در مورد هویت و مأموریت عیسی که قبلاً در فصل ۷ به تصویر کشیده شده است، همه این قسمت‌هایی که قبلاً به طور خلاصه به آنها نگاه کرده‌ایم می‌تواند بارها و بارها تکرار شود، زیرا با نگاه بیشتر به این بخش از زمان که عیسی در اورشلیم است و به جمعیت تعلیم می‌دهد، این موضوع را می‌توان تکرار کرد. در فصل ۸ چندین قسمت داریم که نشان می‌دهد چگونه شدت بحث در مورد عیسی در حال افزایش است.

در فصل ۹ داستان مرد نابینایی را داریم که شفا می‌یابد، با همان شدت فزاینده مخالفت با عیسی. فصل ۱۰ را نیز داریم که ما تمایل داریم آن را فصلی گرم و پر از ابهام بدانیم. ما آن را گفتمان چوپان خوب می‌نامیم و از اینکه توسط یک چوپان مهربان، عیسی، مورد لطف قرار گرفته‌ایم، احساس خوشبختی می‌کنیم.

متأسفانه، این درست است، اما در متن، داستان خیلی در مورد جنبه‌های مثبت چوپان خوب بودن عیسی نیست، بلکه در مورد این است که چگونه عیسی با دیگر چوپانان اسرائیل که تبدیل به چوپان‌های بدبختی می‌شوند که فقط به فکر خودشان هستند، نیست. فضای کلی فصل دهم یوحنا در متن، متأسفانه، بسیار منفی است و نشان می‌دهد که چگونه مخالفت با عیسی بدتر و بدتر می‌شود و در پایان فصل دهم بیشتر و بیشتر به اوج خود می‌رسد، همانطور که ممکن است از قبل بدانید که آنها آماده‌اند تا یک بار دیگر عیسی را به دلیل ارتباط او با پدر سنگسار کنند. بنابراین با پایان فصل دهم، عیسی کمی مرخصی می‌گیرد و به ماوراء اردن می‌رود، متن می‌گوید که همه چیز از جایی شروع شد که یحیی برای اولین بار تعمید می‌داد.

بنابراین، فصل دهم در انتها ما را به فصل اول برمی‌گرداند و بنابراین نوعی استراحت کوتاه وجود دارد که عیسی در آن منطقه دارد، قبل از اینکه از بیماری دوستش لازاروس بشنود. بنابراین این فقط برای نشان دادن این است که همانطور که این درگیری و همه این تفرقه‌ها را در فصل هفتم می‌بینیم، این تقریباً برای چند فصل بعدی روال عادی خود را دارد. این نوع مطالبی است که قرار است با آن روبرو شویم و واقعاً زمان خوبی برای خواندن یوحنا نیست زیرا هرج و مرج زیادی وجود دارد، منفی‌بافی زیادی وجود دارد و اوضاع از بد به بدتر تبدیل می‌شود.

حال و هوای این متن مرا به یاد حال و هوای اورشلیم می‌اندازد، زمانی که انجیل‌های هم‌نوا را پس از ورود پیروزمندانه عیسی به اورشلیم می‌خوانیم، جایی که او در اطراف معبد آن منطقه پرسه می‌زد و تعلیم می‌داد و یکی پس از دیگری نزد او می‌آمدند و سعی می‌کردند او را فریب دهند یا چیزی به او بگویند که او را به دردرس بیندازد. این دوران، دورانی پرآشوب و پر از درگیری بود و این درگیری‌ها بارها و بارها تکرار می‌شدند و این همان چیزی است که ما از فصل‌های ۷ تا ۱۰ در انجیل یوحنا داریم. با توجه به پیشینه، به یاد داشته باشید که عیسی برای عید خیمه‌ها که اغلب عید خیمه‌ها نامیده می‌شود، در اورشلیم است.

برخی ترجمه‌ها آن را غرفه می‌نامند، کلمه عبری آن سوکوت است. بنابراین ما در مورد سوکوت از کتاب مقدس عبری چه می‌دانیم؟ متون زیادی داریم که آن را در خروج ۲۳، لاویان ۲۳، تثنیه و اشارات بعدی به نحوه برگزاری آن از نحمیا و همچنین در زکریا توصیف می‌کنند. متن زکریا به ویژه جالب است زیرا از غیریهودیانی صحبت می‌کند که برای برگزاری عید غرفه‌ها به اورشلیم می‌آیند.

رساله میشنا با عنوان سوکوت، به شما می گوید که چگونه سوکوت تا پایان قرن دوم میلادی، یعنی عصر ما درک و اجرا می شد. بسیاری از آن سنت های شفاهی که سرانجام حدود سال ۲۰۰ میلادی در میشنا به نگارش درآمدند، شاید در زمان عیسی، ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال قبل از تدوین و نگارش میشنا، در حال اجرا و انجام بوده اند. بنابراین، این یک جشنواره پاییزی است و احتمالاً افرادی را درگیر می کند که در خانه های موقت در فضای باز زندگی می کنند تا دو چیز متفاوت را به خاطر بسپارند.

اول، نحوه ی سرگردانی قوم اسرائیل در بیابان و نحوه ی جشن گرفتن برداشت محصول و پرورش غلات. بنابراین، این جشنی است که احتمالاً یادبودی از وفاداری خداوند به هر دو معنا است. اینکه خداوند در فراهم کردن محصولات کشاورزی و همچنین در حفظ قوم خود در طول سرگردانی در بیابان، وفادار بوده است.

بنابراین، اگر بتوانیم وقت بگذاریم و عمیق تر به سوکوت در تورات نگاه کنیم و ببینیم که چگونه برای رعایت آن برنامه ریزی شده است و سپس برخی از اشارات بعدی به آن را بررسی کنیم، فوق العاده خواهد بود. اما امروز چیزهای دیگری هم در ذهن ما هستند، بنابراین باید این مطالب را به همین شکل رها کنیم. اگر علاقه مند باشید، امیدواریم بتوانید بعداً بیشتر به آن نگاه کنید.

ما اینجا چند تصویر داریم که نشان می دهد سوکوت امروزه در یک مکان معمولی آمریکایی چگونه برگزار می شود. اینجا در گرند ریپدز، جوامع یهودی داریم و می توانید این نوع مکان ها را در حیاط کناری یا شاید در حیاط خلوت های شان در پاییز، حوالی جشن سوکوت، ببینید. اینجا آنها از کارهای مشبک استفاده می کنند که احتمالاً می توانید بروید و از فروشگاه لوز یا بیلدرز دیو یا هر اسم دیگری که به آن انبار چوب می گویند بخرید.

بنابراین، آنها فقط آن را برپا می کنند و از انواع شاخه ها استفاده می کنند. به نظر می رسد که آنها اینجا ساقه های ذرت دارند که آن را تزئین می کنند یا کمی بعد سقف آن را می سازند. این عکسی از خود اورشلیم است که نشان می دهد چگونه آنها از ورق های تخته سه لا با نوعی کار مشبک یا نوعی شاخه های موقت نه تنها در سطح خیابان، بلکه در قسمت بالکن این آپارتمان نیز استفاده می کنند.

بنابراین، سوکوت هنوز هم توسط یهودیان در سراسر جهان برگزار می شود. به نظر می رسد که این فقط یک جشنواره زیباست. چه کسی دوست ندارد در پاییز بیرون باشد، وقتی هوا خنک است و برگ ها می ریزند، این فقط زمان خوبی برای زنده بودن است.

اما وقتی به فصل ۷ یوحنا نگاه می کنیم، شاید مهم ترین نکته از نظر الهیاتی، گفته ی عیسی در آیه ی ۳۸ درباره ی نهرهای آب زنده باشد. بنابراین، در یوحنا ۷:۳۷-۳۹ دوباره به ما یادآوری می شود که چگونه آب به صورت نمادین در سراسر انجیل یوحنا به کار رفته است و به فصل ۱، یعنی به یحیی تعمیددهنده برمی گردد جایی که او اذعان می کند که غسل تعمید او غسل تعمیدی است که مردم را برای غسل تعمید روح عیسی آماده می کند. اشارات اضافی به آب در فصل های ۲ و ۳، شاید یکی از اشارات بسیار مهم در فصل ۴ باشد جایی که عیسی به زن کنار چاه سامره درباره ی آب زنده می گوید.

احتمالاً این متن ارتباط مستقیمی با توصیف عیسی از آب در باب ۷ یوحنا دارد. با نگاهی به عهد عتیق مسلماً نمادهای زیادی از آب و کاربرد آن در آنجا نیز وجود دارد. متونی مانند تثنیه ۲۸، اشعیا ۴۴ و همه این متون و حتی کتاب مکاشفه فصل ۲۲ آیه ۱ از رودخانه ای صحبت می کنند که به رودخانه باغ عدن اشاره دارد.

بنابراین، آب نه تنها نماد مراقبت خداوند از قومش است، زیرا در دوران باستان، البته، آنها از نوع امکانات مدرن امروزی برخوردار نبودند. شما فقط به آب نیاز دارید، تشنه هستید، شیر آب را باز می‌کنید، نه در دوران باستان و با زندگی در اقلیمی که فصول خشک و بارانی دارد، آب همیشه در دسترس نیست. بنابراین شما باید سیستم‌هایی داشته باشید که در آنها مخازن و هر چیز دیگری وجود داشته باشد تا مطمئن شوید که فقط قادر به زنده ماندن هستید، چه برسد به استفاده از آب برای پخت و پز، چه برسد به استفاده از آب برای مقاصد مذهبی برای تطهیر مذهبی در یهودیت.

بنابراین، آب در پیامبران کتاب مقدس به نمادی بزرگ برای برکت خدا در آینده بر اسرائیل تبدیل می‌شود. و بنابراین، رودخانه‌های آب زنده، اصطلاحی که عیسی به کار می‌برد، چیزی است که شاید چندان با ما ارتباط برقرار نکند، اما رودخانه‌های آب زنده نوعی پدیده فصلی در اسرائیل هستند که بیشتر در بهار دیده می‌شوند. شما فکر می‌کنید، بالاخره خدا آب را برای زمین فراهم کرده است و خدا وفادار است. و بنابراین نمادگرایی آب برای ما مهم است که در مورد آن فکر کنیم.

احتمالاً پیشینه تاریخی این متن در یوحنا ۷:۳۷-۳۹، به ویژه فصل ۷ آیه ۳۸، به عنوان متنی در میشنا وجود دارد. این سندی است که تفسیر اولیه یهودیان از تورات را که قدمت آن به حدود ۲۰۰ میلادی برمی‌گردد توضیح می‌دهد. هنگامی که این متن نوشته شد، شامل روایاتی از خاخام‌های پیشین بود که شاید به زمان عیسی برمی‌گشت. بنابراین، ما آن را به عنوان سندی در نظر می‌گیریم که ممکن است به ما کمک کند نه پیش‌زمینه، بلکه پس‌زمینه انجیل‌ها را درک کنیم.

در رساله‌ای که به سوکوت می‌پردازد، ام-سوک مخفف میشنا رساله سوکوت فصل ۴ آیات ۸-۱۰ است که در آن، مأموران کاهن در آخرین روز عید، آب جشن را، ببخشید، از حوض سیلوحا می‌کشیدند و آن را برای ریختن شراب در برخی از قربانی‌هایی که در آنجا انجام می‌شد، به معبد برمی‌گرداندند. بنابراین، مردم تعجب می‌کنند که آیا عیسی در آخرین روز عید آنجا بوده است یا خیر.

آیه ۳۷ می‌گوید که او ایستاد و با صدای بلند گفت هر که تشنه است، نزد من بیاید و بنوشد. سوال این است که آیا این کار زمانی انجام شده که کاهن آب را از معبد می‌برده و شاید شما آب را از حوض برای استفاده در معبد می‌گرفته‌اید؟ این یک احتمال است. من نمی‌دانم که کاملاً قطعی است که این اتفاق می‌افتد، اما مطمئناً به ما کمک می‌کند تا دلیل احتمالی آن را درک کنیم.

نکته‌ی جالب دیگر در مورد یوحنا ۷ این است که آیا پیشینه‌ای در میشنا وجود دارد یا خیر، بلکه منظور عیسی در آیه ۳۸ چیست، وقتی می‌گوید هر که به من ایمان بیاورد، همانطور که کتاب مقدس می‌گوید تبدیل کرده است، زیرا them این کلمه را به جمع NIV. نهرهای آب زنده از درون او جاری خواهد شد. می‌خواهد جنسیت خنثی باشد و به نظر من این معمولاً چیز خوبی است.

بنابراین، کتاب مقدس در کجا می‌گوید که رودخانه‌های آب زنده جاری خواهند شد؟ فکر نمی‌کنم متن خاصی برای این موضوع در ذهن داشته باشیم که بتوانیم آن را پیدا کنیم. این استفاده عمومی نبوی از آب جاری به عنوان نعمتی از جانب خداست و روشی که متونی مانند اشعیا ۵۵، زکریا ۱۴ و حزقیال ۴۷ احتمالاً در مورد روشی که خداوند اسرائیل را با فراوانی آب برکت خواهد داد، صحبت می‌کنند. نعمت‌ها مانند سیل نازل می‌شوند و همه از خوبی خدا غرق خواهند شد.

فکر می‌کنم این ایده وجود دارد که یک سوال دیگر در مورد یوحنا ۷ آیه ۳۸، نحوه صحبت عیسی از نهرهای آب زنده است. اگر کتاب مقدس مطالعه‌ای یا کتاب مقدسی با ارجاعات یا یادداشت‌هایی در آن داشته، نیز همینطور NLT یکی از ترجمه‌های جدیدتر است، شاید NIV و ESV باشید، متوجه خواهید شد که را در این مورد بررسی نکرده‌ام. اغلب آنها متن را چیزی شبیه به آنچه که ما به شنیدن آن NLT اگرچه من

، عادت کرده‌ایم، ترجمه می‌کنند، اگر کسی تشنه باشد، نزد من بیاید و بنوشد. هر کس به من ایمان آورد، همانطور که کتاب مقدس از قلبش گفته است، نهرهای آب زنده جاری خواهد شد. این متن به چه معناست؟ خب، کاملاً واضح است که کسانی که به عیسی ایمان دارند، خود به مخازنی تبدیل می‌شوند که از آنها آب جاری می‌شود. به عبارت دیگر، روح از زندگی آنها به طور آشکار به دیگران جاری می‌شود و آنها را از مؤمنان برکت می‌دهد.

راه دیگر برای نگاه کردن به متن، ترجمه آن به روشی کمی متفاوت است، بخش ایتالیک اینجا در اسلاید تفاوت را به شما نشان می‌دهد. می‌توان آن را به جای «اگر هر کسی تشنه باشد، بگذارید نزد من بیاید و بنوشد، هر که از قلب خود به من ایمان آورد، نهرهای آب زنده جاری خواهد شد» ترجمه کرد، می‌توان آن را به جای «اگر هر کسی تشنه باشد، بگذارید نزد من بیاید و بنوشد» با کما ترجمه کرد، و هر که به من ایمان آورد، همانطور که کتاب مقدس گفته است، از قلب خود نهرهای آب زنده جاری خواهد شد. در این مورد، کسی که روح از قلبش جاری می‌شود، مؤمن نیست، بلکه خود عیسی است.

بنابراین، وقتی به آموزه‌های انجیل یوحنا به طور کلی فکر می‌کنید، کدام یک از این دو دیدگاه، منطقی‌تر به نظر می‌رسد.

در مورد نقش تسلی‌دهنده، یاور، روح‌القدس، عیسی در اینجا از خود به عنوان روح صحبت می‌کند، شاید بهتر باشد از اصطلاح منبع عینی روح، منبع نهایی روح برای سایر افراد، استفاده کنیم. یا اینکه این متن در مورد روشی صحبت می‌کند که عیسی روح را به مؤمنان می‌دهد و از آنها است که روح به دیگران جاری می‌شود. بنابراین آیا این چیزی است که در مورد درونی شدن روح در پیروان عیسی است، یا اینکه گفته می‌شود خود عیسی منبع روح برای همه مؤمنان است؟

من فکر می‌کنم با توجه به آموزه‌های کلی انجیل یوحنا، باید ترجمه جایگزین این متن را در اینجا انتخاب کنیم، نه ترجمه‌ای که بیشتر به آن عادت داریم، زیرا فکر نمی‌کنم انجیل یوحنا چیز زیادی در مورد جاری شدن فراوان روح از سوی مؤمنان بگوید، اگرچه ما معتقدیم که این امر امکان‌پذیر است، و آموزه‌های بعدی پولس شاید بیشتر به این تأکید شباهت داشته باشد. اما فکر می‌کنم از آنچه این متن به ما می‌گوید، با توجه به یوحنا به طور کلی، محتمل‌تر است که عیسی منبع و مخزن واقعی کسی باشد که روح از او جاری می‌شود. آیا این همان چیزی نیست که یحیی تعمید دهنده در فصل ۱ گفت؟ عیسی کسی است که با روح تعمید می‌دهد، آیا واقعاً فصل ۳ در مورد همین نیست؟ پدر روح را بدون هیچ معیاری به پسر می‌دهد. آیا این همان چیزی نیست که در بالاخانه به ما گفته شده است، جایی که متون اضافی در فصل‌های ۱۴، ۱۵ و ۱۶ داریم که در مورد عیسی و در برخی موارد عیسی و پدرش که روح را به مؤمنان می‌فرستند صحبت می‌کنند؟

حتی یوحنا فصل ۲۰ آیه ۲۲، آخرین اشاره به روح در انجیل یوحنا. عیسی می‌گوید که روح را همانطور که بر شاگردان می‌دمد، دریافت کنید. بنابراین، او منبع روح است، بنابراین به نظر من آموزه کلی یوحنا بیشتر بر خداوند عیسی مسیح به عنوان کسی که روح را به کلیسا می‌آورد، تمرکز دارد. شاید این موضوع پیامدهای گسترده‌ای برای درک ما از کار روح‌القدس داشته باشد. کسانی از ما در جامعه مسیحیان انجیلی هستند که توجه بسیار کمی به کار روح‌القدس داشته‌اند. شاید کسانی باشند که توجه زیادی به کار روح‌القدس دارند و این کار را به روشی انجام می‌دهند که لزوماً به خداوند عیسی احترام نمی‌گذارد.

بنابراین، در انجیل یوحنا کاملاً واضح است که روح‌القدس مسیح‌محور است. آنچه که ما در مورد روح‌القدس، به ویژه در فصل‌های ۱۴ تا ۱۶ خواهیم خواند این است که روح‌القدس کاملاً درباره عیسی مسیح است. بنابراین، روح‌القدس می‌آید تا به مردم یادآوری کند که عیسی چه چیزی را تعلیم داده و آموزه‌های جدیدی از عیسی به آنها بدهد. اما همه چیز درباره عیسی مسیح است. روح‌القدس درباره خودش صحبت

نخواهد کرد، بلکه درباره عیسی مسیح صحبت خواهد کرد، بنابراین به نظر من در یوحنا ۷، عیسی مسیح منبع روح القدس است، نه برعکس.

به همین ترتیب، شاید در آموزه پولس اول قرن‌تین ۱۲، این عیسی است که سر کلیسا است. او سر بدن است. او روح را به کلیسا می‌فرستد تا بدن خود را برای انجام کار خود به طرق مختلف در جهان مجهز کند. بنابراین این را در نظر داشته باشید و به آن نکته کوچک احتمالی در ترجمه متن فکر کنید که در واقع می‌گوید کسی که به سوی عیسی می‌آید و کسی که به او ایمان می‌آورد، از قلب عیسی است، این همان کسانی هستند که به سوی عیسی می‌آیند که در این متن بر آن تأکید شده است. و روح از عیسی به سوی ما می‌آید.

صحبت از حوض سیلوآم شد، چند تصویر دیگر در اینجا وجود دارد، شاید آن دسته از شما که در گذشته به اسرائیل سفر کرده‌اید، از مکانی بازدید کرده‌اید که به شما گفته‌اند آنجا حوض سیلوآم است. با این حال اخیراً مکان دیگری به عنوان این مکان شناسایی شده است. بنابراین وقتی آن را بزرگنمایی می‌کنید، تصویر بسیار بدی است، نه به اندازه کافی پیکسل، اما می‌توانید طرح کلی کوه معبد و در اینجا زیر اورشلیم سفلی را در پایین‌ترین منطقه ببینید، شاید جایی باشد که معبد قرار دارد. ببخشید، حوض سیلوآم قبلاً شناسایی شده بود. بعداً نشان داده شد که در واقع در جای دیگری است. در اینجا یک تصویر بزرگنمایی شده‌تر از آن وجود دارد.

بنابراین، در گذشته اگر از اورشلیم بازدید می‌کردید، این استخر را به عنوان استخر سیلوآم به شما نشان می‌دادند و به مکانی در عهد عتیق به نام تونل حزقیا نیز متصل بود. با این حال، اخیراً به طور تصادفی در حین انجام برخی حفاری‌ها برای یک پروژه ساختمانی مدرن، استخر بزرگ دیگری در همان نزدیکی کشف شد. به شکلی که احتمالاً اکنون به عنوان استخر سیلوآم واقعی در نظر گرفته می‌شود، در اینجا تصویر اولیه‌ای از آن وجود دارد که برای اولین بار کشف شده است. کمی بعد، آنها برخی از تخته‌ها را در اینجا پر کردند که در واقع سنگ‌ها وجود نداشتند، و بنابراین می‌توانید پله‌های پایین به سمت استخر را ببینید. استخر گوشه اینجا را با زاویه بیش از ۹۰ درجه تراز می‌کند، بنابراین ما نوعی شکل دوزنقه‌ای داریم. بنابراین، وقتی در سال ۲۰۱۴ در اسرائیل بودم، توانستم این عکس و عکسی از پلاکاردی که آن را توصیف می‌کند، بگیرم ۲۰۱۴.

این هنرمندی است که در ابتدا به این شکل به آن نگاه می‌کرد. استخر سیلوحا به روشی که پادشاه حزقیا تونل را ساخت و استخر را در مسیر ساخت، گره خورده بود. بنابراین، به هر حال، در آن زمان انجام شد و به فصل ۲۰ کتاب دوم پادشاهان برای ریشه‌های تاریخی این استخر مربوط می‌شود.

برداشت یک هنرمند دیگر از آن، آن را چیزی شبیه به این می‌کند. من مطمئن نیستم که آیا اصلاً برش کاملی از دره جردن در آنجا وجود داشته است یا خیر. مطمئن نیستم که زاویه دید چگونه بوده است، شاید تصویری که از دوران اخیر داریم، این گوشه بوده باشد. و اگر به جهت دیگر نگاه می‌کردید، شاید از آن طرف به آن نگاه می‌کردید. یک راه دیگر برای نگاه کردن به آن، این تصویر زیبا از چند پسر است که در اطراف لبه آن استخر بسیار زیبا بازی می‌کنند.

بنابراین، وقتی به آنچه در باب ۷ یوحنا دیده‌ایم نگاه می‌کنیم، فصلی پر از جنجال و اختلاف نظر و آشفتگی در مورد اینکه عیسی واقعاً کیست، می‌بینیم. بنابراین شاید سوال اصلی هنگام نگاه به یوحنا ۷ این باشد که این مرد کیست، این عیسی کیست؟ خب، بر اساس این باب می‌توانیم فهرستی از نظرات و دیدگاه‌ها در مورد او تهیه کنیم. بنابراین، او مردی تحت تعقیب است که رهبران به دنبال او هستند و گروهی را برای دستگیری او فرستاده‌اند. او مردی است که برادران خودش با او مشکل دارند و واقعاً او را نمی‌فهمند. او مردی است که مورد نفرت جهان است. در یوحنا ۷، آیه ۷، افرادی وجود دارند که به ویژه از عیسی به شهادت خودش متنفرند.

بنابراین، سوال این است که آیا او مرد خوبی است یا یک فریبکار؟ و ضمناً، چطور او اینقدر باهوش به نظر می‌رسد در حالی که به نظر نمی‌رسد تحصیلات زیادی داشته باشد؟ ما نمی‌توانیم او را به هیچ یک از منابع شناخته شده خاخم‌ها ربط دهیم، حتی برخی می‌گویند که او مردی جن‌زده است.

دیگران در نقطه مقابل می‌گویند که او مسیح است یا اینکه او یک فرد گمنام جلیلی است. برخی دیگر می‌گویند که او پیامبر است. بنابراین مردم به خاطر عیسی دچار اختلاف شدند. آیا امروز هم به همین شکل نیست؟ آیا ما هنوز هم بر سر اینکه عیسی کیست، دچار اختلاف نیستیم؟

امیدوارم همه ما که اینجا این ویدیو را می‌سازیم و تماشا می‌کنیم و به انجیل یوحنا فکر می‌کنیم، کسانی باشیم که معتقدند او واقعاً مسیح است و اطلاعاتی را که یوحنا به ما می‌دهد، بپذیریم و به عیسی ایمان بیاوریم و از طریق نام او حیات یابیم.

این دکتر دیوید ترنر در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا است. این جلسه ۹، دوران پرتنش در اورشلیم است، این مرد کیست؟ یوحنا ۷: ۱-۵۲.